



فلسفه مقوق

مفهوم عدالت

(در گستره تاریخی)

دیوید جانستون

ترجمه

علیرضا میرزایی

سرشناسه	جانستون، دیوید، ۱۹۵۱ - م. Johnston, David.
عنوان و پدیدآور	فلسفه حقوق مفهوم عدالت (در گستره تاریخی)
مشخصات نشر	تهران: راه نوین، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۳۸۴ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
وضعیت فهرست نویسی	فیبای مختصر
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۶۷۲-۹۳-۹
یادداشت	این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
یادداشت	عنوان اصلی: A brief history of justice, 2011.
یادداشت	نمایه.
شماره افزوده	میرزائی، علیرضا، ۱۳۵۷ -، مترجم
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۶۶۷۶۷



انتشارات راه نوین

فلسفه حقوق مفهوم عدالت (در گستره تاریخی)

علیرضا میرزائی

طراح جلد: جواد شریف پور

چاپ و صحافی: راه نوین

چاپ یکم ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۷۲-۹۳-۹

قیمت: ۱۵۵/۰۰۰ ریال

فرآیند تولید کلی و جزئی به هر صورت بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، میدان انقلاب اسلامی، ابتدای خیابان کارگر جنوبی

کوچه رشتچی، شماره ۳۸، طبقه ۲، واحد ۵

تلفن: ۶-۱۱۵-۶۶۵۷۴۱-۶۶۹۱۳۸۲۳-۶۶۹۱۳۹۸۸

فهرست مطالب

تمهید.....	۵
درآمد : از انگاره معیار تا احساس به عدالت.....	۱۳
فصل اول : زمینه عدالت.....	۲۷
فصل دوم : غایت‌مندی و سرپرستی در جمهوری افلاطون.....	۶۵
فصل سوم : نظریه عدالت ارسطو.....	۱۰۵
فصل چهارم : از طبیعت تا ابتکار ، از ارسطو تا هابز.....	۱۴۵
فصل پنجم : ظهور فایده گرایی.....	۱۸۷
فصل ششم : نظریه عدالت کانت.....	۲۲۹
فصل هفتم : نظریه عدالت اجتماعی.....	۲۷۱
فصل هشتم : عدالت به مثابه انصاف مؤخره.....	۳۱۷
مؤخره.....	۳۶۱
فهرست نمایه.....	۳۸۱

تمهید

مدت‌ها پیش، پژوهشگران نقشه‌ای تفصیلی و ثابت تقریباً برای همه افکاری که به نحوی با موضوع عدالت مربوط هستند وضع کردند و همه آن افکار را به دودسته تقسیم نمودند، یک دسته افکاری هستند که در حیطه گرایشی به نام مکتب فایده‌گرایی قرار دارند^۱ که مشتمل بر دیدگاه‌هایی است که بر وجود هدفی معین حکم می‌دهد و مفهوم عدالت را از این هدف (فایده) برمی‌گیرد، این امر معمولاً در قالب تعیین مجموعه‌ای از اصول، قواعد و نظام‌های که انتظار می‌رود نقش مؤثری در دستیابی به هدف داشته باشند حاصل می‌شود.

هدفی که امروزه زیاد درباره آن صحبت می‌شود، تحقق اوج سعادت بشری است. نشانه‌های این هدف در پرتو اصل فایده^۲ (اصل اوج سعادت^۳) که به‌منزله تفکر جوهری در سنت تفکر کلاسیکی مکتب فایده‌گرایی است، تشکیل می‌شود. اصطلاح فایده‌گرایی Utilitarian برای توصیف این گرایش فکری به کار می‌رود تا تسلطی که این مکتب اخیراً به دست آورده را نشان دهد، اما این اصطلاح مکاتب دیگری را نیز در بر دارد که به صورت

۱- مکتب فایده‌گرایی (utilitarian): مکتبی است که معتقد است تحقق فایده و منفعت برای تعداد بیشتری از مردم باید هدف اعمال بشری باشد. (مترجم).

2 - Principle of utility

3 - Greatest happiness principle

متفاوتی از این موضوع دیده شدند یا این که تلاش کرده‌اند، به‌طور کلی، اهدافی متمایز از آن به دست بیاورند.

اما مجموعه افکار مربوط به تعهدات اخلاقی در ضمن گرایش دیگری به نام گرایش وظیفه‌گرایی (deontological) قرار دارند (در اصطلاح فلسفه اخلاق عصر جدید چنین نامیده می‌شود). دیدگاه‌های وظیفه‌گرایانه (deontological) در این مورد به این اجماع رسیده‌اند که عدالت دارای ماهیتی از تکالیف‌بایسته و محدود است که نمی‌توان از حدود آن تجاوز کرد یا به ملاحظات دیگر، حتی جهت تحقق اهداف مطلوب از آن چشم‌پوشی نمود.

ایده اصلی که این مجموعه دیدگاه‌ها از آن برخاسته است معتقد است: برخی امور فی‌الذات درست هستند چه مفید باشند یا نباشند.

باوجوداینکه دیدگاه‌های اساسی که توسط این طبقه‌بندی ارائه شده است ریشه‌های نسبتاً عمیق تاریخی دارند، اما اعتقاد به این که تمام افکار مهمی که به موضوع عدالت می‌پردازند را می‌توان تجسم از یکی از این دو گرایش دانست نهایتاً به اواخر قرن هجدهم برمی‌گردد، زمانی که هرکدام از این دو جریان اساسی سنتی فلسفه اخلاق معاصر - مکتب فایده‌گرایی و مکتب کانتی - هویت مشخص خود را به دست آورده و از زمانی که اعلام موجودیت کرده‌اند به حفاظت از این هویت پرداختند.

این تصویر، جغرافیای افکار مربوط به عدالت را نشان می‌دهد که مورد اهمال قرار گرفته یا با آن مخالفت شده است، افکاری که به مدت زمانی نزدیک به چهار هزار سال قبل برمی‌گردد. این امر در واقع بازگشت به

تاریخ^۱ و امر غربی است؛ [اما] آنچه مشکل ساز می شود این است که این طبقه بندی توجهی به افکار و معارف شهودی در رابطه با عدالت نمی کند که در زمینه وسیعی، در طول تاریخ مدون و از طریق فرهنگ های بی شماری، بحث بسیاری از مردمی بوده است که در مقام متفکر و متخصص نبوده اند (علاوه بر کسانی که عملاً به آن می پردازند)، سرزمین عظیم گمشده ای از جغرافیای افکاری که به عدالت چشم می دوزند وجود دارد، افکاری که پیوسته از سوی گروهی از پژوهشگران دوران معاصر بسیار رایج و مورد قبول بوده است.

هدف اصلی من در پرداختن به این کار، ترسیم طرح مختصر و روشنی از افکار اساسی است که به عدالت مربوط هستند، همان افکاری که ذهن مردم در کشورهای غربی را در طول تاریخ مدون به خود مشغول کرده است. قدیمی ترین شکل فهم عدالت و شاید پرتعدادترین و رایج ترین شکل، بر هدف مشخصی که بتوان اصول و قواعد عدالت را از آن گرفت و نیز بر تصویری از مفهوم حقیقت و مجموعه ای از تعهدات قطعی متمرکز نیست بلکه به جای این ها، بر ویژگی های روابط بین اشخاص متمرکز دارد. این نوع از فهم، ریشه های خود را از مفهوم معامله به مثل (concept of reciprocity) می گیرد، مفهومی که آن قدر انعطاف پذیر هست که در طی اعصار متمادی به گونه های مختلف به روش های مختلف شکل گرفته تا به شاخه های مختلف و متفاوت از مفاهیم وسیع عدالت تقسیم شود، با وجود این گرایش به معنای جوهری همه مفاهیم را وحدت

می‌دهد و هر کدام از آن‌ها را جزئی غیر قابل تفکیک از مجموعه وسیع افکار قرار می‌دهد.

علاوه بر این قصد دارم به خواننده برخی از دلایلی را ارائه دهم که مرا به اعتقاد به این امر واداشت که آن تصور از عدالت که بر طبیعت روابط مردم تمرکز دارد به جای این که بر هدف واحد و مشخص یا مجموعه‌ای از تعهدات قطعی تمرکز کند، باید جایگزینی شایسته برای دو گرایش ذکر شده باشد، اگر دقت کنیم می‌بینیم که این دو گرایش همچنان بر بحث‌های علمی که طی نسل‌های گذشته پیرامون عدالت صورت گرفته است تسلط دارند، نمی‌خواهم فرض کنم مفاهیم محدود از عدالت با عنوان معامله به مثل که نقش مهم‌تری در تاریخ تفکرات پیش از ما داشته است، می‌توانند بدون هیچ تغییری برای ما مفید باشند به صورتی که بتوانند با رهنمون‌هایشان مشکلات مربوط به عدالت در جامعه کنونی را حل کنند.

اگر بخواهیم به شکل سازنده‌ای در ارتقاء افکاری که می‌توانند چشم‌اندازی از آینده ما باشند سهمیم باشیم بهتر است به این مفاهیم مراجعه کنیم؛ اما برای ترسیم تصویری از عدالت که معطوف به روابط بشر باشد و تا حد امکان نقش مؤثری در بازسازی افکار ما داشته باشد، در ابتدا باید بخشی از سنت فکری که مفاهیم قدیمی بر آن بنا شده‌اند را بازگردانده و نقاط ضعف و قوت این سنت را بررسی کنیم به این امید که بتوانیم اندیشه‌هایی از عدالت به دست بیاوریم که در این باره بتواند بیشتر برایمان مفید باشد. بر این اساس، می‌توان هدف کتاب پیش روی شما،

خواننده گرامی، را بازگرداندن افکار از گذشته به حال و اصلاح برخی از این افکار دانست.

در طول این بررسی خواهیم دید افکار بشر در رابطه با عدالت، طی دوره هزار و پانصدساله تاریخ مدون یا حتی بیشتر، بسیار به مفهوم معامله به مثل استناد می کند - این مفهوم نوعی فهم است که افلاطون با آن مخالفت کرده و تلاش کرده است آن را به یک مفهوم غایت‌مند گرا^۱ (به طرف هدفی معین در رابطه با عدالت جهت داده شود) تبدیل کند. از زمان افلاطون به بعد، تاریخ اندیشه‌های مربوط به عدالت، شاهد افت و خیز رویکردهای فهمی بوده است که عدالت را مسئله معامله به مثل و تئوری‌های غایت‌مند گرا دانسته‌اند که به هدف غلبه بر این رویکردهای تطور یافته است. هم‌چنین خواهیم دید که دو اندیشه بدیع بسیار مهم و تأثیرگذار وجود دارد که اولین بار در حیطه تفکری که در اعصار گذشته وجود داشته ظهور کردند، اما در دوران معاصر قدرت یافتند و در چند قرن اخیر به ثمر رسیدند و طبیعت افکار مربوط به عدالت را از بنیان متحول کردند، این دو اندیشه به شرح زیر می‌باشند: اعتقاد به این که بشر می‌تواند کیان اجتماعی خود را آن گونه که با اهداف سازگار باشد از نو بسازد - به نظر می‌رسد این اندیشه اولین بار بین سوفسطائیان آتنی در قرن پنجم پیش از میلاد ظهور کرد - و این تفکر که همه انسان‌ها واجد

۱- تفکرات غایت‌مند گرا (teleological): اعتقاد به اینکه هر چیزی در طبیعت تحقق هدف معینی را بر عهده دارد. (مترجم)

ارزشی مساوی و برابر هستند، از گرایش رواقی^۱ فلسفه قدیم نشأت گرفت و چندی نگذشت که به تدریج و در ابتدا از طریق جنبش‌های مسیحی ترویج و انتشار یافت.

باید خاطر نشان کنیم، در مقام بازنگری این دو تفکر بر این فرضیه استوار هستند که هر ثروتی که در جوامع معاصر تولید می‌شود، نتیجه‌ای اجتماعی است و ثروت فقط نتیجه فعالیت‌های یک فرد به تنهایی نیست (این نظر بسیار با افکار آدام اسمیت^۲ مطابقت دارد)، خواهیم دید که این دو تفکر راه را برای رشد نظریه عدالت اجتماعی معاصر آماده کرده‌اند. این تفکر نقش مهمی در ساختار نظریه عدالت در طی اعصار داشته است.

هیچ کس به اندازه خود مؤلف نمی‌تواند به محدودیت حیطه این بررسی آگاهی داشته باشد. [از سوی دیگر] به عدالت حقوقی به معنای دقیق آن به تفصیل نمی‌پردازیم، عدالت حقوقی چیزی است که خود مردم در زندگی روزمره خود تجسمی از آن را می‌بینند. دلیل من برای این اهمال، صرف نظر از محدودیت‌هایی جهت اختصار حجم کتاب، این است که مجاب نشده‌ام مقایسه بین عدالت حقوقی و عدالت به‌طور کلی، برای عدالت نوع اول، بیش از فایده مقایسه‌ای که معمولاً بین موسیقی نظامی و موسیقی به‌طور کلی دارد فایده داشته باشد. شاید دلیل آن، این باشد که عدالت حقوقی، با اندکی تسامح، در بهترین حالات نسبتاً عادلانه خواهد

۱- رواقیه: مکتبی فلسفی است که زنون، فیلسوف، در حدود سال ۳۰۰ ق.م بنانهاده و می‌گوید دنیا عضوی است که قدرت خداوند در آن نفوذ دارد و انسان حکیم باید هوا و هوس خود را سرکوب کند چه این هوس و عواطف شادی باشد چه درد و غم (مترجم).

2 - Adam Smith

بود، با وجود اینکه در اغلب نظام‌های حقوقی که در امتداد دوران می‌شناسیم تحقق نیافته است. هم‌چنین به شک عمیق به وجود چیزی به نام عدالت به تفصیل نمی‌پردازیم، همان چیزی که در سنت فلسفی می‌بینیم، از زمانی که پژواک صدای تراسوماخوس^۱ (مانند آنچه افلاطون در کتاب «جمهوری»^۲ خویش عنوان کرده است) به کتاب‌های نیچه و پس از او رسید، زمانی که به این نتیجه رسیدم که این بررسی می‌تواند پاسخی جزئی به این تردیدها بدهد، بهترین راه پاسخگویی را توجه به آراء ایجابی از عدالت و آنچه در طول تاریخ تفکر فلسفی تا حد امکان توضیح و تصریح شده است دانستم. دیدگاه متشکک (شک‌گرایانه) به کج‌فهمی برمی‌گردد، زیرا فراموش کرده است که نظریه عدالت چیزی نیست جزء وسیله‌ای که انسان اختراع کرده و به بهبود و اصلاح آن اقدام نموده است، اما این وسیله، مانند هر وسیله دیگری، نهایی نیست و نمی‌توان هر بار طبق میل انسان از نو ساخته شود، حداقل نمی‌توان انتظار داشت اصل وظیفه عدالت را تغییر داد. ♦

من به گروه اندکی از اندیشمندان حقوقی یا اندیشمندان بزرگ توجه کرده‌ام هرچند برخی این را کافی ندانسته‌اند اما من بر آرای دیگر بزرگان تمرکز نکرده‌ام کسانی که سهم کمتری در نمونه‌های اخیر تاریخ فلسفه سیاسی داشته‌اند. توجه و تمرکز من بدون هیچ قصد عمدی بوده است، زیرا معتقدم نویسندگانی که برگزیده‌ام و بر آن‌ها تمرکز کرده‌ام پایه‌های اساسی تفکر پیرامون عدالت به شمار می‌روند، حداقل از طریق مطالعه‌ای

1 - Therasymachos

2 - Republic

که داشته آراء آنها را مبسوط‌تر و واضح‌تر از هر منبع دیگری یافتیم. در پی این ادعا نیستیم که در پرداختن به دوره‌های تاریخی تفکر سیاسی بی‌طرف بوده‌ام، زیرا تصور می‌کنم برخی دوران از نظر افکار مربوط به عدالت، پربارتر از عصرهای دیگر بوده‌اند. چه بسا توجه من تا حدودی محدود به افکار «غربی» است و این امری است که جای بحث دارد (باوجوداینکه تفکر بابلیان که از پیشینیان خود چون آشوری‌ها و سومری‌ها بسیار بهره برده‌اند هم‌چنین ملت‌های قدیم دیگر مانند عبرانی‌ها را بررسی کرده‌ام).

شاید تنها عذری که این نقص را توجیه می‌کند؛ تعهد من به پرداختن به حجم مشخصی از مطالب باشد زیرا در این تحقیق با طرح مجموعه^۱ پیش رفته‌ام، مهم‌تر از این‌ها، محدودیت من در استفاده از منابع بود. امیدوارم این تحقیق، علیرغم مختصر بودن آن، مورد توجه قرار گیرد و آن فایده‌ای که انتظار داشته‌ام را برآورده کند. با چشم‌پوشی از اختصار در بسیاری از موارد، این کتاب شماری از مهم‌ترین افکار پیرامون عدالت را در خود دارد باشد که جبرانی باشد از آنچه نیاورده‌ام - این افکار، بیش از آنچه حداقل طی دو یا سه نسل گذشته توانستیم انجام دهیم هستند، که به ما کمک می‌کنند آرائی از مفهوم عدالت در آینده را به شکل مفید استنباط کنیم.

۱- مجموعه خلاصه‌ای از تاریخ فلسفه است که انتشارات وایلی - بلاک ویل (WILEY BLACKWELL) ایالات متحده منتشر کرده و تاکنون عناوین زیر از آن منتشر شده است: تاریخ مختصر سعادت، تاریخ مختصر آزادی و تاریخ مختصر روح.

درآمد

از انگاره معیار تا احساس به عدالت

غالباً تصور می‌شود اعمال انسان، به هدف پاسخ‌گویی به منافع خاص او صورت می‌گیرد نه چیز دیگر، این فرض، مفاهیم ما را چه در مورد شخصیت‌های عام یا اشخاصی که به‌خوبی در زندگی روزمره خود با آن‌ها آشنایی داریم تغییر می‌دهد. زمانی که رفتار معینی را زیر نظر می‌گیریم نمی‌توانیم به‌سادگی تفسیر واضحی از آن به دست بیاوریم و در اکثر موارد با بررسی دقیق به این نتیجه خواهیم رسید که انگیزه‌های درونی در پشت این اعمال پنهان است.

از جمله اموری که به نظر مسلم می‌آید این است که سیاستمداران و مشاهیر، به انگیزه‌های شخصی از جمله کسب ثروت یا شهرت یا هر دو عمل می‌کنند و به ادعای آن‌ها در توجه به منافع عمومی و تلاششان برای اهداف دیگری جز انگیزه‌های شخصی، به دیده تردید می‌نگریم.

عجیب است که بسیاری از فلاسفه و جامعه‌شناسان در بسیاری موارد وجود مصلحت شخصی را لازم دانسته‌اند. توماس هابز در اثر خود، که در عرصه فلسفه سیاسی بسیار معروف است و در زبان انگلیسی تاکنون چیزی نگاشته نشده که به پای آن برسد، می‌گوید: هدف پنهان در واری

۱- معروف‌ترین کتاب توماس هابز «لویاتان» است که در سال ۱۶۵۱ منتشر شد و تلاش نمود در آن حکم مطلق یا فراگیر شاه را توجیه کند با استناد به یک قرارداد اجتماعی فرضی که در آن هر شخصی تلاش می‌کند از خود در برابر دیگران دفاع کند تا همه در همه موارد از شاه پیروی کنند. کلمه «لویاتان» کلمه‌ای عبری است به معنای موجودی دریایی و ترسناک که در اینجا منظور حکومت دیکتاتوری است. (مترجم)

اعمالی که انسان از روی میل انجام می‌دهد به‌ظاهر باید نوعی مصلحت شفصی و جهد داشته باشد. یک قرن و ربع بعد از او، آدام اسمیت در کتاب خود، تا حد زیادی که سنگ بنای اصلی خلاصه تاریخ علم اقتصاد به شمار می‌رود،^۱ تقریر داشته است:

قصاب، نانوا یا کسی که شراب تهیه می‌کند به خاطر نیکی و خوبی این کارها را انجام نمی‌دهند، بلکه به خاطر منافع شفصی خود کار می‌کنند. همه ما می‌دانیم که این اعمال را نه به خاطر انسانیت و نه به خاطر دفع امتیازات ما، بلکه به خاطر کسب و کار خود انجام می‌دهند.^۲

در اندیشه‌های معاصر نیز این طرز فکر می‌توان ملاحظه کرد: به‌عنوان مثال، در نوشته‌های ریچارد الکساندر^۳، درباره بیولوژی پیشرفته Evolutionary Biology تأکید می‌شود^۴ که ما هرگز دلیل حقیقی رفتار بشر را درک نمی‌کنیم مگر این که بدانیم جامعه مجموعه‌ای از افراد است که برای تحقق منافع شخصی خود تلاش می‌کنند - و این پژوهشی از نظر ریچارد داوکینز^۵ است که می‌گوید: «ما طبیعتاً خودپسند متولد شده‌ایم».^۶

۱- کتاب آدام اسمیت که مؤلف در اینجا به آن اشاره می‌کند (بحث در ماهیت و دلایل ثروت) می‌باشد که در سال ۱۷۷۶ اوایل انقلاب صنعتی منتشر شد و یکی از مهم‌ترین علت‌های تطور تفکر سرمایه‌داری در غرب به حساب می‌آید. (مترجم).

2 - Smith, Wealth I.2, p.14.

3 - Richard Alexander

4 - Richard Alexander, *The Biology of Moral Systems*. Hawthorne, NY: A. de Gruyter, 1987, p.3.

5 - Richard Dawkins

6 - Richard Dawkins, *The Selfish Gene*, new ed. Oxford: Oxford University Press, 1989, p.3.

اما در عصر حاضر، نویسندگانی وجود دارند که معتقدند چه بسا منافع انسان مشتمل بر اهدافی باشد که خارج از حیطه منافع شخصی است. این ملاحظه که برگرفته از عناصر اساسی نظریه انتخاب عقلانی^۱ است - که عبارت است از مجموعه‌ای وسیع از افکاری که در سال‌های اخیر ظهور کرده و تأثیر زیادی بر بسیاری از علوم اجتماعی گذاشته‌اند.

طبق این نظریه، می‌توان رفتار فردی را به بهترین وجه ممکن تفسیر کرد، با تکیه بر سه عامل: منافع شخصی، هر چه که باشد و در ضمن آن روشی که فرد، میزان اهمیت اهداف خود را با آن تعیین می‌کند یا بر حسب رابطه میان با هم آن‌ها را مرتب می‌کند؛ و مجموعه گزینه‌های پیش روی فرد و ترکیب دلایلی که در ورای مواضع پیش روی فرد قرار دارد؛ بنابراین تعریف رفتار عقلانی شخصی معین در مواضع مختلف؛ عملی است که می‌تواند اهداف او را، هر چه که باشد، به بهترین روش تحقق بخشد.^۲

فرض وجود منفعت^۳ شخصی، مانند آنچه نظریه مدرن انتخاب عقلانی^۴ مطرح کرده است، نشان‌دهنده ویژگی اساسی انگاره معیار رفتار بشری است. اندیشمندانی که با اطمینان زیاد مهر تأیید بر نظریه انتخاب عقلانی می‌گذارند، اذعان می‌کنند که رفتار بشر همیشه عقلانی نیست. عواملی وجود دارد که پذیرش عدم عقلانیت را تأیید می‌کند. گاهی اهداف فرد

1 - Theory of rational choice

2 - See Jon Elster, "Introduction," in Jon elster (ed.) , *Rational choice*, NewYork university press, 1986, pp.1-33.

3 - Self-interest assumption

4 -The modern theory of rational choice

کاملاً واضح و مشخص نیست، یا نامنظم و متغیر است، پس فرد نمی‌تواند اهدافش را در چارچوبی منظم و مرتبط باهم ترتیب دهد یا چه‌بسا، اعتقادات فردی [او] دربارهٔ گزینه‌های مجاز یا ساختار علی از وضعیتی که ممکن است به دلیل تفکرات غیرعقلانی مانند خودفریبی یا امید و آرزو متشوش باشد. هم‌چنین مردم در راستای ادله‌ای که برای تصمیم خود ارائه می‌دهند، به‌صورت غیرعقلانی رفتار می‌کنند. حتی زمانی که هدف مردم از رفتارشان، رسیدن به نهایت اهدافشان باشد، چه‌بسا این رفتار نتواند به‌خوبی اهدافشان را تحقق بخشد از این رو زمانی که رفتار انسان، باعث دستیابی به اهدافش نشود، طبق انگاره معیار^۱، رفتاری غیرعقلانی خواهد بود.

بنابراین ازجمله حقایقی که تا حدودی باعث آشفتگی، طبق انگاره معیار، این است که مردم گاهی به هدف بهره رساندن به دیگران، نوعی از هزینه یا ضررهایی را متحمل می‌شوند که تا اندازه‌ای از توانشان جهت وصول به اهداف شخصی خود کم می‌کند و آن‌ها این کار را به نحوی انجام می‌دهند که به‌طور بدیهی عقلانی به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال: در آزمایشی از افراد تحت آزمایش خواسته شد به کار ساده‌ای در یکی از کارخانه‌ها مشغول شوند، به آن‌ها گفته شد هرکدام از آن‌ها شریکی دارند که مشغول به انجام کار مشابهی در کارخانهٔ دیگری هستند (این شرکا فرضی بودند).

پس از اتمام کار، به افراد تحت آزمایش گفته شد که شرکایشان حق توزیع دستمزدها را دارند و دستمزدها ۳ دلار تعیین شد (این آزمایش

چند سال پیش اجرا شده بود). هم‌چنین به آن‌ها گفته شد هر کدام با شرکایشان کارها را به صورت مساوی و با کیفیت مساوی به پایان رسانده‌اند. سپس به نحوی به آن‌ها فهمانده شد که شرکا، سهم آن‌ها را ۱ دلار، ۱/۵ دلار یا ۲ دلار از مجموع ۳ دلار داده‌اند و بقیه پول‌ها را برای خود برداشته‌اند.

پس از آنکه از این روش توزیع آگاهی یافتند، از افراد تحت آزمایش خواسته شد به یک سری سؤالات دربارهٔ احساسشان از (سعادت، رضایت، احساس گناه و ...) پاسخ داده و احساسشان را در مورد شرکایشان بیان کنند و این که تا چه حد توزیع دستمزدها را عادلانه می‌دانند و سؤالاتی از این قبیل پاسخ‌ها نتیجهٔ مشخص و روشنی داشت. افراد تحت آزمایش که ۱/۵ دلار به آن‌ها داده شده بود نهایت رضایت را احساس کرده و شرکایشان را بسیار دوست داشتند و این مبلغ را در قبال کارشان عادلانه می‌دانستند. آن‌هایی که ۲ دلار دریافت کرده بودند کمترین احساس رضایت را داشتند و معتقد بودند دستمزدهایشان زیاد است و کسانی که تنها یک دلار دریافت کرده بودند احساس رضایت کمتری داشتند، زیرا معتقد بودند کمتر از حقشان دستمزد دریافت کرده‌اند، روشن شد که اشخاص تحت آزمایش از دو انگیزه تأثیر پذیرفته‌اند: تمایل به این که حداقل مبلغ ممکن را به دست بیاورند. تمایل دیگر برابری با شرکایشان در توزیع دستمزد بود.

شرکت‌کنندگان در آزمایش تمایل داشتند به جای دریافت ۱ دلار، ۲ دلار به آن‌ها پرداخت شود زیرا تمایل داشتند مبلغ بیشتری به دست

آورند. باوجوداین، ترجیح می‌دادند به جای ۲ دلار، ۱/۵ دلار دریافت کنند، زیرا مبلغ ۲ دلار را دستمزدی اضافی و ناعادلانه می‌دانستند.^۱

مثال دیگری در این مورد: آزمایشی درباره آنچه در رستوران‌ها انعام نامیده می‌شود اجرا شد که در آن دو سؤال از مردم پرسیده شد، سؤال‌ها را به همراه پرتکرارترین پاسخ‌ها در زیر می‌آوریم (این کار در دهه هشتاد انجام شده است زمانی که هزینه هر پرس غذای رستوران کمتر از حالا بود).

سؤال ۱: در صورتی که مشتری از سرویس ارائه شده راضی باشد به نظر شما بعد از سفارش غذایی با هزینه ۱۰ دلار افرادی که به‌طور مداوم به آن رستوران می‌آیند معمولاً چقدر انعام می‌دهند؟

پرتکرارترین پاسخ: ۱/۲۸ دلار

سؤال ۲: به نظر شما در صورت ارائه سرویس قابل قبول بعد از سفارش غذایی با هزینه ۱۰ دلار مسافرانی که به رستوران می‌آیند و انتظار بازگشت مجدد به آن رستوران را ندارند چقدر انعام می‌دهند؟

پرتکرارترین پاسخ: ۱/۲۷ دلار

روشن است اشخاصی که به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند معتقدند رفتار مردم در اعطای انعام درواقع متأثر از احتمالاتی نیست که ممکن است در پی داشته باشد و اینکه به سرویس‌دهی استثنایی به مشتریان بیانجامد یا

1 - Austin, G. and Walster, E., "Participants" reaction to "equity with the world," *journal of experimental social psychology* 10 (1974): 528-548. in Melvin J. Lerner, "The justice motive in human relations and the economic model of man: A radical analysis of facts and fictions," in Valerian J. Derlega and Janusz Grzelak (eds.), *Cooperation and Helping Behavior: Theories and Research*. New York: Academic Press, 1982, pp.249-278.

رفتار ناشایست گارسونی که تلاش می‌کند با خشونت رفتار کند و یا مشکل درست کند، باشد. پاسخ‌ها این دیدگاه بدیهی را بیان می‌کنند که اعطای انعام، تمایل به اعطای عوضی مناسب در برابر خدمات خوب و مناسب است، بدون در نظر گرفتن هر منفعتی که در آینده نسبت به کسی که انعام می‌دهد (انعام نمی‌دهد) می‌شود.^۱

امروزه آزمایش‌های بسیاری انجام شده است که این نتایج را تأیید می‌کند و به نظریه بازی Game Theory استناد دارند.^۲ مجموعه گسترده‌ای از بازی‌ها مشتمل بر متغیرهای گوناگونی (مانند بازی اعتماد) که موضعی از واقعیت زندگی را روایت می‌کنند که در آن اشخاص اشیائی را به صورت نظام‌مند و مرتب به یکدیگر منتقل می‌کنند و در بازی، هیچ سیستم فعالی برای جلوگیری از تقلبی که ممکن است صورت بگیرد وجود نداشته باشد. با وجود اینکه انگیزه‌هایی برای تقلب وجود دارد اما این بازی‌ها معمولاً جریان انتقال را به صورت صحیح و مورد انتظار انجام می‌دهند و این امر به نفع دیگران است، به این ترتیب بازیکن در جریان انتقال، برخی شکست‌ها و ضررها را می‌پذیرد. این نوع رفتار را گاهی، پاداش ایثار altruistic rewarding می‌نامند. روش دیگری به نام «مجازات ایثار» altruistic punishment یکی از مهم‌ترین آن‌هاست.

1 - Daniel Kahneman, Jack L. Knetsch, and Richard Thaler, "Fairness as a constraint on profit seeking: Entitlements in the market," American Economic Review 76:4 (September 1986): 728-741.

۲- ابزاری است برای بررسی استراتژی‌هایی تصمیم‌گیری و بررسی الگوهای فرایند تصمیم‌گیری. نظریه بازی در اقتصاد، علوم سیاسی، روانشناسی و همچنین منطق و زیست‌شناسی کاربرد دارد.

از تحلیل نهایی این بازی‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از افراد - در برخی نمونه‌ها، اکثریت آن‌ها- برای مجازات بازیکنانی که رفتاری ظالمانه داشته‌اند از خود آمادگی نشان می‌دهند و این کار را هرچند به ضررشان باشد انجام می‌دهند، حتی زمانی که رفتار ظالمانه از سوی شخص سومی صورت گرفته باشد که بازیکن وظیفه مجازات او را ندارد. این آزمایش‌ها نشان می‌دهد که مردم گاهی به گونه‌ای رفتار می‌کنند که نشان‌دهنده تحقق منافع شخصی نیست، درواقع، به‌طور نسبتاً زیادی، مردم از آنچه از آن‌ها انتظار می‌رود خارج می‌شوند و برای این که انصاف را رعایت کنند یا دیگران را به خاطر رفتار ظالمانه و دشمنی‌شان مجازات کنند آماده تحمل ضررهای احتمالی می‌شوند.^۱

این روش‌های رفتاری در بسیاری از شرایط، چه عادی و چه ویژه، دیده می‌شود. از جمله امور بسیار رایج این است که مردم گاهی تا حد زیادی به معامله به‌مثل یا انتقام اقدام می‌کنند و این امر آن‌ها را به خطر می‌اندازد و چه‌بسا در مواردی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. هم‌چنین برخی از مردم (باوجوداینکه تعدادشان زیاد نیست) خود را در خطرهای بزرگی می‌اندازند و فداکاری‌های زیادی در راه کمک به دیگران از خود نشان می‌دهند، حتی برای کمک به افرادی که نمی‌شناسند و معرض خطر قرار گرفته یا قربانی ظلم شده‌اند.^۲ آمادگی جهت تحمل ضرر، در راه

1 - See Ernst Fehr and Simon Gächter, "Altruistic punishment in humans," *Nature* 415 (10 January 2002): 137-140 and Ernst Fehr and Urs Fischbacher, "The nature of human altruism," *Nature* 425 (23 October 2003): 785-791.

2 - See Kristen R. Monroe, *The Heart of Altruism: Perceptions of a Common Humanity*. Princeton: Princeton University Press, 1996.

مراعات انصاف یا مجازات کسی که رفتار ظالمانه داشته است به شکل‌های مختلفی مشاهده می‌شود که از شخصی به شخص دیگر متفاوت است.^۱ هم‌چنین مفهوم انصاف در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است.^۲ باوجوداین، روشن است که انصاف در هر مکانی وجود دارد، باوجوداینکه دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی در فهم معنای انصاف وجود دارد. انگاره معیار رفتار بشری در تفسیر رفتار بشری در مواقعی که انصاف ویژگی بارز آن است با شکست مواجه شده است.

بنابراین روشن است که انسان طوری رفتار می‌کند که تا حد زیادی به دیگران کمک کند (به نفع دیگران عمل می‌کند و گاهی در این راه متحمل ضررهایی می‌شود) و این امر، چیزی بیش از آن است که در الگوهای هنجاری مورد انتظار است. کمک به دیگران فقط به انسان محدود نمی‌شود^۳ اما برعکس حیوانات، انسان احکام و دستوراتی را نیز دربارهٔ میزان وجوب رعایت عدالت یا انصاف در رفتار شخصی یا رفتار با دیگران تعیین می‌کند و این احکام و قوانین، از دید وضع‌کنندگان، خارج از حیطهٔ اهداف و تمایلات شخصی آن‌هاست. قدرت و صلاحیت انسان در انجام و اجرای احکام و قوانین انصاف، چیزی فراتر از منافع

1 - See Joseph Henrich, Robert Boyd, Samuel Bowles, Colin Camerer, Ernst Fehr, Herbert Gintis, and Richard McElreath, "In search of homo economicus: Behavioral experiments in 15 small-scale societies," *Economic and Social Behavior* 91: 2 (May 2001): 73-78.

2 - See Ernst Fehr and Urs Fischbacher, "The nature of human altruism," *Nature* 425 (23 October 2003): 785-791.

3 - See Frans de Waal, *Good Natured: The Origins of Right and Wrong Humans and Other Animals*. Cambridge, MA: Harvard University Press, 1996; and Claudia Rutte and Michael Taborsky, "Generalized Reciprocity in Rats," *PLoS Biology* 5:7 (July 2007): e196.

شخصی افراد و خارج از چارچوب انگاره معیار رفتار بشری است، یا [حداقل] فراتر به نظر می‌رسد.

ممکن است ارزیابی و داوری‌ها در خصوص عدالت و انصاف با ارزیابی و داوری‌های عقلانی مطابقت نداشته باشد. اگر من برای حفظ وضع‌ظاهری، رژیم غذایی خاص و ورزش منظمی را دنبال کنم، این حکم عقلانی به حساب می‌آید. هم‌چنین، در صورتی که برای کمک به دخترم برای موفقیت در زمینه موسیقی، شهریه کلاس‌هایش را پردازم، این نیز حکمی مبتنی بر تفکر عقلانی است.

استنتاجات و تصمیم‌هایی از این دست، از اساس عقلانی برخوردارند زیرا اهدافی مشروط و قابل پیش‌بینی دارند. زندگی روزمره ما پر از مناسباتی است که نیازمند ارزیابی امور مختلف است بسیاری از این‌ها اموری عادی هستند مانند: چطور است حالا به موسیقی گوش دهم؟، اگر به موسیقی نیاز دارم، احتمالاً به چه نوع موسیقی گوش خواهم داد؟ امور دیگری نیز هست که مهم‌تر هستند مانند: با چه زنی ازدواج خواهم کرد؟ (اگر قصد ازدواج داشته باشم)، با وجود تنوع ارزیابی‌ها، اما همه آن‌ها در این حقیقت مشترک هستند که هدفشان رساندن ما به اهدافی است که ممکن است شخص دیگری در این اهداف با ما هم عقیده نباشد.

در مقابل، ارزیابی‌ها و احکام مربوط به انصاف^۱، اساساً مبتنی بر معیارهایی هستند که بشر برای تفسیر آن‌ها از شیوه‌ای کاملاً متفاوت با نحوه تفکر درباره اهداف مشروط استفاده می‌کند. ما معتقدیم معیارهای اساسی که احکام و ارزیابی‌های مربوط به انصاف را پشتیبانی می‌کنند

می‌بایست، به صورتی نمونه وار، مشترک و مورد توافق همگان باشند. هم‌چنین معتقدیم توصیفاتی که بر اساس این معیارها برای رفتار بشری وضع می‌شوند، حداقل در برخی موارد مهم، نسبت به توصیفاتی که به احکام عقلانی استناد داده می‌شوند در اولویت باشند. طبیعتاً، افراد پیرامون معیارهایی که احکام و موازین انصاف به آن‌ها استناد داده می‌شوند توافق ندارند؛ اما این حقیقت که مردم درباره این معیارها باهم توافق ندارند با این حقیقت هماهنگ است که مردم این معیارها را از لحاظ عینی معیارهایی درست و قابل قبول می‌دانند (مشروط به اهداف شخصی افراد نیستند). مردم همیشه درباره امور عینی حتی در مورد امور واقعی یا عملی اتفاق نظر ندارند در واقع عدم اتفاق نظر بذاته نتیجه این فرض است که مسئله عینی معینی ممکن است مورد توافق همگان نباشد؛ اما در صورتی که این فرض را در نظر بگیریم مردم به اختلافاتشان به عنوان عدم اتفاق نظر نمی‌نگرند، بلکه این امر را اختلاف سلیقه یا نظرات متفاوت به حساب می‌آورند.

توانایی ایجاد میزان‌هایی در امور مربوط به عدالت و انصاف و احتمال محافظه‌کاری یا تأثیرپذیری از امور مشابه، «توانایی احساس به عدالت»^۱ نامیده می‌شود.

این توانایی از زمان‌های بسیار دور با توانایی انسان در فراگیری زبان مرتبط بوده است. در بسیاری موارد این دو توانایی، از ویژگی‌های متحصربه‌فرد بشر به شمار می‌روند.

1 - The capacity for a sense of justice.